

پایش علی انان، محیط زیست و توسعه پایدار  
باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهران

۱۳۸۸، شماره ۱۲

## بررسی اجمالی مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست با تاکید بر توسعه پایدار فخرالضحی روستا<sup>۱</sup>

چکیده:

امروزه توسعه پایدار کلید حل اکثر مسایل زیست محیطی می باشد همچنین از اساسی ترین موضوعات حقوق بین الملل محیط زیست به شمار می رود؛ به طوری که از آن می توان به عنوان اصلی ترین هدف توسعه و تدوین حقوق بین الملل محیط زیست نام برد. مفهوم توسعه پایدار به طور مستقیم در میان مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست به چشم می خورد و می توان گفت تقریباً اکثر مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست در جهت اثبات مفهوم توسعه پایدار به کار می آیند.

در این تحقیق به بررسی مفاهیم مرتبط با توسعه پایدار در حقوق بین الملل محیط زیست پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: مفاهیم، توسعه پایدار، حقوق بین الملل، محیط زیست

۱- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباده، عضو باشگاه پژوهشگران جوان

مقدمه:

حقوق محیط زیست، ابزار مهمی برای نظارت و مدیریت توسعه پایدار است. این حقوق در تعیین خط مشی ها و اقدامات حفاظتی محیط زیست و همچنین استفاده معقولانه و پایدار از منابع طبیعی موثر است.

همان گونه که در اسناد و بیانیه های مهم بین المللی درباره محیط زیست از جمله بیانیه ریو نیز مورد تاکید قرار گرفته است، در مراحل تکامل طولانی و دشوار بشر بر روی زمین، مرحله ای فرا رسیده است که در آن، انسان به یاری پیشرفت سریع علوم و فن آوری به روش های متعدد و در مقیاس های غیر قابل پیش بینی، قدرت تغییر محیط زیست خود را به دست آورده است. این وضعیت نه تنها نسل کنونی بشر را با تهدیدی جدی مواجه ساخته، بلکه بقای بشر را نیز به طور جدی در معرض خطر قرار داده است.

یکی از مهم ترین منابع مورد اتکا برای مقابله با این خطرات و تهدیدها و تنظیم رفتار تابعان حقوق بین الملل، حقوق بین الملل محیط زیست است. امروزه توسعه پایدار کلید حل اکثر مسایل زیست محیطی می باشد و از اساسی ترین موضوعات حقوق بین الملل محیط زیست به شمار می رود؛ به طوری که از آن می توان به عنوان اصلی ترین هدف توسعه و تدوین حقوق بین الملل محیط زیست نام برد. تا حدی که اهمیت توسعه پایدار در حقوق بین الملل محیط زیست باعث شده که جهان شاهد تحول این شاخه حقوقی به حقوق بین الملل توسعه پایدار باشد.

بیانیه های ریو و استکهلم، دستیابی به توسعه پایدار را مستلزم حفاظت از محیط زیست عنوان نموده و دستورکار ۲۱ نیز با ادغام این دو مفهوم، علاوه بر پیشنهاد تشکیل کمیسیون توسعه پایدار، خواستار جهت گیری حقوق بین الملل محیط زیست در راستای مفهوم توسعه پایدار گردیده است.

لازم به ذکر است این کمیسیون کمک شایان توجهی به ارتقای مفهوم توسعه پایدار نموده است. در این مقاله به منظور درک بهتر از مفهوم توسعه پایدار به ذکر مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست در رابطه با توسعه پایدار پرداخته شده است و سعی شده با بررسی اسناد زیست محیطی مفهوم توسعه پایدار استخراج گردد.

## مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست مرتبط با توسعه پایدار

### - مفاهیم حقوقی

اساساً در هر نظام حقوقی، مفاهیم نقش زیربنائی برای حقوق دارند و همه نظامهای حقوقی مبتنی بر مفاهیمی هستند که از بطن جامعه ناشی می شوند و این مفاهیم نماینده انتزاعی اهداف یک جامعه هستند، مانند ارزشهای دینی که در مقابل قانون مجازات اسلامی داریم.

### تفاوت اصول با مفاهیم

اصول قابلیت اجرای مستقیم دارند، اما مفاهیم قابلیت اجرای مستقیم ندارند و بار حقوقی مستقیم ندارند. از طریق رویه های اجرائی و عملی کشورها (اعلامیه ها و بیانیه ها) یک مفهوم تبدیل به اصل می شود یا از طریق رویه قضایی بین المللی می باشد، پس منابع حقوقی مفاهیم را تبدیل به اصول می کنند. مفاهیم ذهنی و انتزاعی هستند در حالیکه اصول اجرائی و عقلی هستند، چارچوب و پایه اصول مفاهیم می باشد و حالت زیربنائی دارد. مفاهیم نقش تفسیری داشته و در مقدمه آورده می شوند. (۱)

### مفهوم میراث مشترک بشریت

میراث مشترک بشریت مفهومی است که اخیراً قاعده مند شده است و سابقه آن به پایان دهه ۱۹۶۰ بر می گردد. مفهوم میراث مشترک بشریت مفهومی گسترده تر از معنی اموال مشترک دارد که مفهوم اموال مشترک در حقوق بین الملل بر بخش هایی خارج از قلمرو ملی اشاره دارد. مانند دریای آزاد و فضاهاى دست نخورده که نمی تواند قابل دسترسی باشند و این ها متعلق به جامعه ملل هستند، هرچند منابع موجود در آن می تواند به وسیله هر کسی مورد بهره برداری قرار گیرد. از آن جا که میراث مشترک در ارتباط با عموم بشریت هستند، لذا باید مورد حمایت نظام های حقوقی ویژه ای قرار گیرند. در مناطق و نواحی معینی این حق پذیرفته شده است، از آن جمله: نظام حقوقی اعماق بستر و زیر بستر دریاها، قطب جنوب، کره ماه، اجرام سماوی، فضا، همین طور مناطق و محل ها و بناهای تاریخی نیز که به عنوان آثار باستانی در بخش مربوط به امور فرهنگی به عنوان میراث مشترک بشریت تلقی می شوند(۲).

این مناطق نمی توانند در اختیار حاکمیت انحصاری دولت ها قرار گیرند، اما باید از آن ها محافظت شده و بهره برداری از آن ها به گونه ای باشد که منافع همه بشریت (نسل های حاضر و آینده) را بدون هیچ تبعیض تامين کند. مفهوم میراث مشترک بشریت شامل ۵ مفهوم اصلی می شود. عدم تخصیص، مدیریت بین المللی مشترک، تقسیم منافع (به خصوص به سود کشورهای در حال توسعه)، شرط مقاصد صلح آمیز و حفاظت برای نوع بشر(۶).

لازم به ذکر است، کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان(۱۹۷۲) از کنوانسیون های مهمی است که مفهوم میراث مشترک را به کار گرفته است. همچنین کنوانسیون تنوع زیستی، حفاظت و استفاده پایدار از تنوع گونه های زیستی تحت قلمرو هر دولتی را به دولت های طرف این کنوانسیون واگذار نموده است(مواد ۶ تا ۱۰). در مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی آمده است: «حفظ تنوع زیستی مساله تمامی بشریت است.» همچنین اعلام می کند. «دولت های طرف معاهده مسئول حفظ تنوع زیستی کشور خود و استفاده پایدار از منابع زیستی شان... در راستای منافع نسل کنونی و آینده اند.»

این مفهوم در مسایل جهانی محیط زیست، خصوصاً مسایلی نظیر شکاف لایه اوزن، جنگل زدایی، گرم شدن کره زمین و... منطقی تر و قابل قبول تر است، چرا که تعدادی از منابع طبیعی (مثل جو زمین) قابل تقسیم و مالکیت پذیر نیست و در عین حال مورد استفاده همه بشریت قرار گرفته است و می گیرد(۴). بر اساس این اصل همه دولت ها موظف هستند، تا از محیط زیست مناطق تحت عنوان میراث مشترک بشریت محافظت نموده و از تخریب یا آلوده سازی آن خودداری کنند تا همگان از منافع آن بهر مند شوند.

### مفهوم حقوق نسل های آینده

در حقوق بین الملل محیط زیست، حقوق نسل های آتی بشر برای برخورداری از شرایط مناسب زندگی بر روی کره زمین نیز مورد توجه و شناسائی قرار گرفته است. بر همین اساس، تخریب محیط زیست، با توجه به تبعات منفی آن، تعدی به حقوق نسل های آینده قلمداد می گردد و باید از آن اجتناب شود. حفاظت از حقوق نسل های آینده یکی از مفاهیم اساسی در بسیاری از اسناد بین المللی در زمینه محیط زیست است. از جمله در بیانیه های استکهلم و ریو نیز به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است.

در ارایه تعریفی قابل قبول برای این حقوق می توان گفت، حقی است که به موجب آن منافع یک نسل از لحاظ پیشرفت طبیعی میراث فرهنگی که از نسل قبلی به ارث رسیده است، به نسل آینده انتقال می یابد. بر اساس این حق، حفاظت از منابع طبیعی تجدیدپذیر و همچنین حمایت از اکوسیستم و جریان های تقویت کننده حیات و علاوه بر آن حمایت از دانش بشر و فرهنگ و هنر به عنوان یک ضرورت تلقی می شود و مستلزم اجتناب از فعالیت های زیان آور و آثار غیر قابل جبران آن بر طبیعت و میراث فرهنگی است (۲).

اعلامیه استکهلم که نخستین پایه گذار این اصل تلقی می شود، در اصل اول می گوید: «انسان ... مسئولیت خطیر حفظ و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و نسل های آینده را به عهده دارد.» همین طور این اصل در معاهدات گوناگون و دیگر اسناد بین المللی تکرار شده است، به ویژه در بند ۱ ماده ۳ در چارچوب کنوانسیون تغییرات آب و هوا اعلام می کند: «اعضا باید سیستم آب و هوا را به نفع نسل های فعلی و آینده بشر بر مبنای تساوی و طبق مسئولیت های مشترک ولی متفاوت و قابلیت های خود مورد حمایت قرار دهند.» اصل ۳ اعلامیه ریو راجع به محیط زیست و توسعه، حقوق نسل های آینده بشر را با حق توسعه مربوط می داند و به موجب آن می گوید: «حق توسعه باید مشروط به این باشد که نیازهای نسل کنونی و آینده، با توجه به توسعه و محیط زیست، به طور عادلانه مراعات شود.»

#### اصل مسئولیت های مشترک اما متفاوت

این اصل برای اولین بار در مقدمه اعلامیه استکهلم آمده است. اعلامیه استکهلم در عین این که وضعیت جهان امروز را به طور خلاصه بیان کرده است، وظایفی متفاوت برای هر کدام از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته پیش بینی کرده که با وجود متفاوت بودن به نتیجه واحد یعنی حفظ محیط زیست منتهی می شود و از آن جا که به در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی در روند توسعه اشاره شده در واقع می توان گفت هدف نهایی اعلامیه استکهلم رساندن کشورهای شمال و کشورهای جنوب از دو راه متفاوت به توسعه پایدار است (۵).

بر اساس این اصل، همه دولت های جهان به طور مشترک مسئولیت دارند تا از تخریب محیط زیست پیشگیری نموده و از آن حفاظت و حمایت به عمل آورند. با وجود این و علی رغم تساوی حاکمیت دولت ها، مسئولیت کشورها بایستی متناسب با امکانات و توانایی های آن ها و برابر با نقشی باشد که آن ها در تخریب محیط زیست داشته اند.

برای حل مسائل زیست محیطی در این اصل با دو نوع مسئولیت مواجه می باشیم که اولی مسئولیت کشورهای پیشرفته است که عمدتاً بر پایه نقش تاریخی آن ها در آلودگی محیط زیست می باشد. و دومی، مسئولیت کشورهای در حال توسعه که بیشتر با تخریب محیط زیست از سوی این کشورها در سال های اخیر همراه می باشد. البته این مسئولیت از حیث دیگری نیز متفاوت است: به دلیل تفاوت وضعیت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، ضوابط فنی هم که باید برای رسیدن به توسعه پایدار اتخاذ کنند، با هم متفاوت می باشد (۱). اصل ۷ اعلامیه ریو و اصل ۱۱ این اعلامیه گویای همین مطلب است. به عنوان مثال اصل ۱۱ بیان می کند که «استانداردهای مربوط به محیط زیست باید منعکس کننده چارچوب محیط زیست و توسعه ای باشد که به آن مربوط می شود.» این اصل که از اصل تساوی حقوق و اصل انصاف در حقوق بین الملل نشأت گرفته، بر این اساس استوار است که اصل انصاف حکم می کند، دولت های توسعه یافته که بیشترین نقش را در آلوده سازی و تخریب محیط زیست داشته اند

و از امکانات و توانایی های بیشتری نسبت به کشورهای در حال توسعه برخوردار هستند، در حفاظت از آن نیز مسئولیت سنگین تری به عهده بگیرند. بر همین اساس، کشورهای در حال توسعه نیز به تناسب نقش کمتر آن ها در تخریب محیط زیست کره زمین، مسئولیت سبک تری بر عهده دارند و نیازها و شرایط این جوامع نیز باید مدنظر قرار گیرد (۷).

در این جا به دلیل اهمیت اصل مسئولیت های مشترک اما متفاوت به طور کامل اصل ۷ اعلامیه ریو ذکر می گردد: «کشورها باید با روح مشارکت جهانی برای نگره داری، حمایت و احیای تمامیت و سلامت زیست بوم کره زمین با هم همکاری کنند. کشورها با نگاهی به سهم متفاوتشان در تخریب محیط زیست جهانی، مسئولیت مشترک ولی متفاوتی دارند. کشورهای توسعه یافته مسئولیتی را که در زمینه پیگیری بین المللی توسعه پایدار دارند، با توجه به فشارهای جوامع خویش بر محیط زیست جهانی و فن آوری ها و منابع خود بر عهده گرفته اند.»

طبق این اصل مشخص می شود که کشورهای پیشرفته باید کشورهای در حال توسعه را از دو جنبه یاری دهند: تامین منابع مالی و انتقال فن آوری لازم برای دستیابی به توسعه پایدار.

هر چند اصل مذکور در تمام اسناد کنفرانس بین المللی محیط زیست و توسعه بیان شده است، اما به نظر می آید ترتیبات لحاظ شده در کنوانسیون تغییرات آب و هوایی دقیق تر و مفصل تر باشد. کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، میان تعهدات عمومی مربوط به تمام متعاهدین و تعهدات خاص که فقط مخصوص کشورهای پیشرفته است، تفاوت قایل شده است. (۱) این تفاوت ها عبارتند از:

- دسته اول، کشورهای توسعه یافته اند که «باید گام مهم تری در جهت مبارزه با تغییرات آب و هوا و اثرات سوء آن بردارند.» (به موجب بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون مذکور) برای انجام این امر این گروه کشورها باید اقدام به تامین جدید و مضاعف مالی برای پرداخت هزینه های مورد توافق به کشورهای در حال توسعه بکنند که متحمل شدن هزینه سنگین از سوی کشورهای در حال توسعه جزء تعهدات مورد قبول آن هاست (بند ۳ ماده ۴). کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه که به خصوص در مقابل اثرات سوء تغییرات آب و هوا آسیب پذیرند، در پرداخت هزینه های انطباق با اثرات سوء مذکور کمک خواهند نمود (بند ۴ ماده ۴). آن ها باید انتقال فن آوری بی خطر برای محیط زیست و دانش مربوط به آن را برای کشورهای در حال توسعه تسهیل کنند (بند ۵ ماده ۴). آن ها همچنین باید اطلاعات لازم را در چارچوب مقررات قابل اجرای کنوانسیون که در جلسات مختلف اتخاذ می گردد، ارسال دارند.
- در دسته دوم گروه کشورهای اروپای شرقی که سابقاً دارای نظام های کمونیستی بودند، مورد توجه قرار می گیرند این کشورها در حال گذار از مراحل انتقال به اقتصاد بازار هستند که باید ملاحظاتی در نظر گرفته شود تا بتوانند به تعهدات خود در مقابله با تغییرات آب و هوا عمل نمایند. (بند ۶ ماده ۴)
- دسته سوم گروه کشورهای در حال توسعه هستند که باید کمک مالی دریافت کنند و از انتقال فن آوری بهره مند گردند. آن ها باید ترتیبی اتخاذ نمایند که در چارچوب مقررات کنوانسیون بیشتر وقت خود را صرف ارتباط با دولت های عضوی که در فهرست کشورهای در حال توسعه قرار می گیرند، بنمایند (۲). در پایان امید است که این راه حل ها به کاهش تخریب محیط زیست جهانی کمک کند.

البته حایز اهمیت است که توسعه پایدار خود به عنوان مفهومی در حقوق بین الملل محیط زیست مطرح می باشد که از آنجا که پس از پایان دهه ۱۹۸۰، کلید حل مسایل این دوره در حوزه حفاظت از محیط زیست «اصل

توسعه پایدار» بوده است. و در طول مذاکرات کنفرانس محیط زیست و توسعه گروه ۷۷ و کشورهای در حال توسعه توانستند با اجماع، حق توسعه را در اصل ۳ اعلامیه ریو بگنجانند. که بیان می دارد حق توسعه باید به نحوی اعمال شود که به طور مساوی نیازهای نسل کنونی و نسل های آینده را در زمینه توسعه و حفظ محیط زیست برآورده سازد. اما در عوض کشورهای توسعه یافته توانستند اجماعی در مورد اصل ۴ کسب کنند. لازم به ذکر است اصل ۴ اعلام می دارد: به منظور نیل به توسعه پایدار، فرایند توسعه باید هماهنگ با حفاظت از محیط زیست باشد و نمی تواند جدا از آن در نظر گرفته شود. این دو اصل در واقع قلب اعلامیه ریو می باشند و لزوماً باید با هم در نظر گرفته شوند. اصل ۳ بسیار شبیه به تعریف توسعه پایدار در کمیسیون براتلند است، اصل ۴ نیز محیط زیست را جزء تفکیک ناپذیر توسعه می داند. تنها تفاوت این دو اصل این است که تاکید اولی بیشتر بر توسعه و تاکید دومی بر محیط زیست می باشد (۱۱).

اضافه می گردد اصل اول اعلامیه استکهلم حق زیستن و حق برخورداری از محیط زیست مناسب را با هم پیوند داده است. با توجه به این که توسعه پایدار، مفهومی است که قادر است حق توسعه و حق برخورداری از یک محیط زیست سالم را یک جا بیان کند. بنابراین می توان حق توسعه پایدار را یکی از مصادیق حقوق بشر دانست. این دیدگاه در تعداد زیادی از اسناد بین المللی که انسان را محور توسعه قرار داده اند، دیده می شود.

به نظر «سینگ»، قاضی سابق دیوان بین المللی دادگستری حق توسعه ریشه در منشور سازمان ملل دارد: «اصول اساسی حاکمیت، تساوی، عدم استفاده از زور، عدم مداخله، عدم تبعیض، تعیین سرنوشت و همکاری چند جانبه که در منشور آمده، هنگام وضع سنگ بنای حقوق بشر، زیربنای حق زیستن، حق صلح، حق داشتن محیط زیست مناسب و حق توسعه پایدار را تشکیل می دهند (۳).

در تدوین اصل توسعه پایدار، اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی پافشاری و بنیان دقیق برنامه ریزی برای توسعه هماهنگ با محیط زیست را پایه گذاری کرد و تاکید کرد سیاست های توسعه باید با هدف محرومیت زدایی، بهبود کلی اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حمایت از تنوع گونه های زیستی و بقای جریان های اساسی اکولوژی و تقویت سیستم های حیات صورت پذیرد. برنامه های حمایت از محیط زیست باید روی جزئیات طرح ها و چگونگی اجرای فعالیت های مربوط به آن طرح در همه مراحل و سطوح مختلف با در نظر داشتن ملاحظات زیست محیطی به طور کامل و سازگار با عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصمیم گیری صورت پذیرد. در نهایت دولت ها باید در جهت وضع مقررات منطبق با سیاست های توسعه و محیط زیست ارشاد شوند که برای طرح های در دست اجرا، قوانین لازم را وضع و امکان اجرای عملی را فراهم نمایند و با تدابیر اقتصادی و تاسیس ساختاری موثر و رویه هایی کاملاً منطبق با جریانات زیست محیطی و توسعه در کل کره زمین تصمیم گیری نماید.

نکته ای که در این جا باید اضافه شود، لزوم رسمیت دادن به برنامه ریزهای بلند مدت برای دسترسی به اهداف معینی است که این روش راهبردی ممکن است شامل چگونگی استفاده از محیط زیست و ارزیابی پیامدهای مسایل اجتماعی، تجزیه و تحلیل نتایج هزینه های انجام شده و حسابداری منابع طبیعی گردد. در این برنامه ریزی باید همه جوانب محیط زیست را در سازگاری با سیاست های اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفت و همچنین باید به طور شفاف و با مشارکت عموم این تصمیمات به وسیله دولت ها اتخاذ شود (۲).

نتیجه ای که از مطالب بالا می توان گرفت این است که، با توجه به تکامل مفهوم توسعه پایدار در حقوق بین الملل به طور عام و حقوق بین الملل محیط زیست به طور خاص انتظار آن می رود که مفهوم توسعه پایدار از حالت مفهومی بودن خارج گردد و به صورت اصلی مهم در حقوق بین الملل محیط زیست تبدیل شود. تا کاربرد عملی یابد و در نهایت همان طور که سازمان ملل متحد نوید می دهد هر چه سریع تر شاهد تحول حقوق بین الملل محیط زیست به حقوق بین الملل توسعه پایدار باشیم.

### بحث و نتیجه گیری:

توجه حقوق بین الملل محیط زیست به ملاحظات اقتصادی و اجتماعی در اجرای قواعد حقوق بین الملل محیط زیست، موجب گردیده محیط زیست به عنوان بخشی مهم از فرایند توسعه پایدار در آید و تاکید بیشتری بر لزوم هماهنگی «توسعه و محیط زیست» در میان اسناد و بیانیه های سازمان ملل متحد شود.

الزام و اقتدار قواعد و مقررات حقوق بین الملل محیط زیست، از معاهدات بین المللی، عرف بین الملل و اصول کلی حقوق کسب می شود. از آن جایی که هنوز کنوانسیون جامع درباره توسعه پایدار وجود ندارد که به بیان حقوقی از مفهوم آن بپردازد، به بررسی اصول در کنار سایر مفاهیم مرتبط با آن در حقوق بین الملل محیط زیست پرداخته شد. این اصول که عمدتاً از عرف بین الملل وارد متون نوشته و قراردادی شده اند، به نحوی تمام اعضای جامعه بین الملل را متعهد و ملزم می کنند اگرچه درجه الزام آوری آن ها متفاوت است. اما باید به آن ها در یک مجموعه یکپارچه نگریسته شود. چراکه هر اصلی اصول دیگر را تکمیل می کند.

طبق تعریفی از توسعه پایدار که مورد قبول عام می باشد و جامعه جهانی بر آن وفاق دارد: «توسعه پایدار یعنی قابلیت بشر برای برآوردن نیازهای نسل حاضر بی آن که به حق و توان نسل های آینده برای برآوردن نیازهایشان آسیب رسد. (گزارش آینده مشترک ما، کمیون جهانی محیط زیست و توسعه)

تقریباً همه اصول حقوق بین الملل محیط زیست در جهت اثبات مفهوم توسعه پایدار به کار می آیند. اصولی از قبیل: اصل حاکمیت بر منابع طبیعی، اصل تعهد به همکاری، اطلاع رسانی و کمک در مواقع اضطراری زیست محیطی، اصل حمایت و حفاظت از محیط زیست، اصل الزام به پرداخت غرامت توسط آلوده کننده محیط زیست، اصل جلوگیری و اصل احتیاطی. البته مفهوم توسعه پایدار به طور مستقیم و واضح در میان مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست مثل (مفهوم میراث مشترک بشریت، مفهوم حقوق نسل های آینده) بیشتر از این اصول به چشم می خورد و جهت اجرای توسعه پایدار جهانی تعهد به اصل مسئولیت های مشترک اما متفاوت کشورها که از مفاهیم بسیار مهم حقوق بین الملل محیط زیست می باشد، بسیار تاکید شده است.

در پایان لازم به ذکر است که اختلافی که کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بر سر پذیرش مفهوم توسعه پایدار دارند، ناشی از این طرز تفکر است که توسعه پایدار را الگویی واحد برای تمام کشورها فرض می کنند. اما تاکید بیشتر اسناد سازمان ملل در خصوص توسعه پایدار بر این است که کشورها بر اساس شرایط خود قوانین شفاف و پاسخگو وضع نمایند. (۳)

## منابع و مأخذ:

۱. پورهاشمی، عباس، ۱۳۸۶، جزوه درس حقوق بین الملل محیط زیست، دانشکده محیط و زیست و انرژی
۲. حبیبی، محمد حسن، ۱۳۸۴، حقوق محیط زیست، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه تهران
۳. روستا، فخرالضحی، ۱۳۸۶، تحلیل مفهوم و الزامات توسعه پایدار در سند ژوهانسبورگ و تاثیر آن بر حقوق محیط زیست ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
۴. صدر، شادی، ۱۳۷۷-۱۳۷۸، مفهوم توسعه پایدار در حقوق بین الملل محیط زیست، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۵. مکنون، رضا و همکاران، ۱۳۷۶، تحقیقات و توسعه پایدار، نشریه رهیافت، شماره ۱۷
۶. ملک محمد نوری، حمید رضا، ۱۳۷۰، قاره جنوبگان در حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۷. ناظمی، مهرداد، ۱۳۸۵، جزوه درس حقوق بین الملل محیط زیست، دانشکده محیط و زیست و انرژی
8. Dehli Declaration on Principles of International Law Relating to Sustainable Development, April 2002
9. Kiss, A. and Shelton, D. International Law (1991 , Supplement 1994)
10. Momtaz , J .(1996) The united Nations and The Environment Frome Stockholm to Rio dejaneiro , Political Geography vol . 15 , No. 314 , 261-271
11. Sands ,P. Principles of International Environmental Law (vol. I: Frame work, Standards and Implementation . 1995)
12. Singh , N . (1988) Sustainable Development , Eaart , P.D . etal. (eds) Martinus Nijhoff



## **Sustainable Development in the Concepts of International Law of the Environment:**

*Zoha Roosta*

### **Abstract:**

Although the Degree of their Obligation is Different, they are Considered as a Unit Collection, Because Every Principle Completes the Other, Of Course the Concept of Sustainable Development is More Visible among the Concepts of International Law of the Environment than the Principles.

Almost all Principles of International Environmental Law of the Environment are Applied to Prove the Concept of Sustainable Development. Such as: the Principle of Governing on natural Resources, the Principle of Liability to Cooperation, Informing and Helping in the Urgent Times of Environmental, the Principle of Support and Protection of the Environment, Obligation to Pay Compensation by Environmental Polluters, Prevention and Precautionary Principle.

This Paper Studies the Concepts Related to the Sustainable Development in the International Environmental Law .

**Keywords:** Concepts, International Environmental Law, Sustainable Development , Environment